



اولین همایش ملی پدافند غیرعامل در حوزه دریای خزر آبان ماه ۱۳۹۵، دانشگاه گیلان



مروری بر اهمیت حفظ قدرت نرم گفتمان انقلاب اسلامی ایران در عصر جهانی شدن

سعیده عابدینی

کارشناس ارشد توسعه از دانشگاه گیلان - مدرس دانشگاه و معاون مدرسه

abedini.saeede@gmail.com

خلاصه

امروز سه دهه پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، جهان شاهد انقلابات بسیاری در کشورهای عربی خاورمیانه، شمال آفریقا و بعضاً فراتر از آن و در کشورهای اروپایی (در غالب اعتراضات مردمی) است. فرآیند جهانی شدن با سرعت و گسترش بی اندازه از طریق مولفه‌های اینترنت و ماهواره زمینه‌ساز فرصتها، تهدیدات و تحولات شگرفی در سالهای اخیر بوده است. به فرموده امام راحل جمهوری اسلامی ایران نظام مظلومان و حامی درد کشیدگان تمام عالم است که یقیناً با خط مشی و اهداف فرصت طلبانه کشورهای غربی و عرب حامی غرب تناقض داشته و آنها از تمام تلاش خود را به کار خواهند برد تا کشورهای هم پیمانانشان چون ترکیه به قدرت برتر منطقه تبدیل شوند. و درست در همینجا اهمیت موضوع آشکار می‌گردد که در بعد فرهنگی، هویتی و قدرت نرم هرچه فعالیت صورت پذیرد کم است. و در این راستا حضور و کمک فعال و خودجوش نوجوانان و جوانان ایرانی در شناساندن و معرفی این گفتمان انکارناپذیر است. از این حیث مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی در پی برشماری اهمیت حفظ قدرت نرم ایران در صدور آرمانهای انقلاب اسلامی ایران برآمده است. لذا فرضیه اصلی مقاله آن است که تقویت بنیادهای مردم‌سالاری دینی با رویکرد الگوی ایرانی اسلامی به کمک کلیه آحاد ایران دوشادوش سازمانهای اداری و نظامی کشور ایران شدنی‌تر خواهد بود. تاکید بر آشنایی و ترویج هر چه بیشتر الگوی اسلامی در کنار تقویت حس ملی‌گرایی رسیدن به سر منزل مقصود را فراهم می‌کند و البته تجربه نشان داده هر یک از آنها به تنهایی موفق نخواهد بود و لازم است در عرصه بین‌المللی از تمامی توانمندی ایرانی (بچه‌های مخلص انقلابی در کنار جوانانی با گرایش‌های بعضاً بیشتر ملی - ایرانی) بهره گرفته شود.

کلمات کلیدی: گفتمان انقلاب اسلامی، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، جهانی شدن .

۱. مقدمه

خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. تحولات موج‌های اجتماعی اصلاح طلب در کشورهای مختلف خاورمیانه و حوزه خلیج فارس صرفاً به عنوان واکنشی در برابر نظام‌های سیاسی اقتدارگرا محسوب نمی‌شود. این امر می‌تواند منجر به گسترش چالش‌های امنیتی و ژئوپلتیکی در خلیج فارس و به تبع آن در خاورمیانه شود. از آنجایی که ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه محسوب می‌شود، نمی‌تواند و نبایستی نسبت به فرآیندهای منطقه‌ای بی‌تفاوت باقی بماند. تحولات یاد شده نشان می‌دهد که بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا در حال گسترش است (مصلی نژاد، ۱۳۹۱). اگرچه جلوه‌های هستی‌شناسانه تحولات خاورمیانه بر اساس بیداری اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما کشورهایی که نقش رقیب منطقه‌ای ایران را بازی می‌کنند، در صدد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای هستند. این امر در میان مدت در ژئوپلتیک خلیج فارس و در بلند مدت خاورمیانه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب هرگونه تحول سیاسی را می‌توان بر اساس پیامدهای اجتماعی، ساختاری، ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی آن مورد ملاحظه قرار داد. این تحولات توانسته است فرصت‌ها و البته چالش‌های نوینی را برای امنیت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران پدید آورد (مصلی نژاد، ۱۳۹۰).

۲. اهمیت موضوع

جهانی شدن یا قرار گرفتن در دهکده جهانی پدیده‌ای است که خواه و ناخواه تمامی کشورها و مردمان را از طریق بالها و مولفه‌های خود از قبیل گوشی‌های تلفن اندروید و شبکه‌های ماهواره‌ای با خود همراه و همگام می‌سازد. کشور یا گروهی که بتواند سوار بر موج نامبرده حرکت نماید می‌تواند باورها، اعتقادات، آرمانها و اهداف خود را به عموم شناسانده و فرصت آفرینی نماید و کشوری که از اهیت آن غافل باشد ناخواسته تهدیدات آنرا شامل حال خواهد شد. بعنوان مثال کشور فرانسه با بازشناسی و تاکید بر هویت و داشته‌های تاریخی، ملی، فرهنگی خود و ارائه فهرستی از جاذبه‌های گردشگری و تفریحی در کنار میزبانی بازی‌های یورو ۲۰۱۶ توانست میلیونها دلار عاید کشور نماید. همزمان در گوشه‌ای دیگر گروهک تکفیری داعش با یک طوفان بزرگ سایبری و اینترنتی هزاران نفر را با وعده‌های خاص به مناطق جنگی سوریه و عراق بکشاند. بنابراین آنچه حائز اهمیت به ویژه برای نسل سوم و چهارم انقلاب چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی است، بازکاوی، باورپذیری و عرضه بسیاری از داشته‌های ملی مذهبی ارزشمند از قبیل آرمانها و اهداف انقلاب بزرگ اسلامی، شهدای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، انرژی هسته‌ای و بسیاری موارد دیگر است. امروز چرخش سیاسی قدرت در خاورمیانه به گونه‌ای است که فضای ساختاری جدیدی شکل خواهد گرفت که بی‌تردید کشور ما که به لحاظ برخورداری از قدمت و توانایی ژئوپولیتیکی در شمال خلیج فارس، فرصتی مناسب برای این مهم خواهد داشت. لذا حفظ قدرت نرم در کنار جنگ سخت و نظامی و حتی اولی بر آن در اولویت قرار دارد. مطالعه و صدور انقلاب اسلامی با رویکرد تمدنی و الگوی اسلامی-ایرانی به خوبی می‌تواند انقلابی دموکراتیک را به جهان عرضه نمود. مردم سالاری دینی به همراه رویکرد فرهنگی الگوی ایرانی اسلامی علاوه بر ایران به تقویت پایه‌های دموکراتیک در سایر کشورهای اسلامی منطقه نیز کمک خواهد کرد. از آنجا که نقاطی از آسیای میانه و قفقاز تا آسیای مرکزی و قسمت‌هایی از حاشیه عرب روزگاران طولانی و نه چندان دور به گستره جغرافیایی ایران تعلق داشته‌اند، لذا قرابت فرهنگی و سیاسی بیشتری نیز به ایران زمین دارند تا سایر کشورها چون ترکیه. لذا صدور گفتمان به آنها شدنی‌تر و معقول‌تر است.

۳. روش تحقیق

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی تهیه و انجام شده است. که در آن تلاش شده ضمن بهره‌گیری از رهیافت‌های گفتمان انقلاب بزرگ اسلامی و بیداری اسلامی اهمیت حفظ گنجینه با ارزش نامبرده به عنوان الگو برای حفظ قدرت نرم ایران بزرگ اسلامی هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی آن تاکید و اهتمام شده و حتی المقدور راهکارهایی ارائه شود. فرضیه‌اصلی مقاله آن است که تقویت بنیادهای مردم سالاری دینی با رویکرد الگوی ایرانی اسلامی به کمک کلیه آحاد ایران دوشادوش سازمانهای اداری و نظامی کشور ایران شدنی‌تر خواهد بود. تاکید بر آشنایی و ترویج هر چه بیشتر الگوی اسلامی در کنار تقویت حس ملی‌گرایی رسیدن به سر منزل مقصود را فراهم می‌کند و البته تجربه نشان داده هر یک از آنها به تنهایی موفق نخواهد بود و لازم است در عرصه بین‌المللی از تمامی توانمندی ایرانی (بچه‌های مخلص انقلابی در کنار جوانانی با گرایش‌های بعضا بیشتر ملی-ایرانی) بهره گرفته شود.

۴. چهارچوب نظری تحقیق

مردم سالاری دینی واقعیتی است که در اثر سقوط نظام شاهنشاهی ایران در سال ۱۳۵۷ آغاز گردید و در حال حرکت دومینو وار در سطح منطقه و جهان است. که به دلیل حمایت خوب داخلی از دستاوردهای انقلاب و همچنین وجود ظرفیت لازم در بسیاری از کشورهای جهان اسلام به خوبی در حال گسترش و اشاعه است. منطقه‌ی راهبردی، حساس و بسیار حائز اهمیت خاورمیانه سالهاست که دستخوش تحولات سیاسی-اجتماعی تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی تحت عنوان بیداری اسلامی شده است؛ تحولاتی که جغرافیای سیاسی منطقه را به کلی دگرگون کرده، موازنه‌ی قوا را به نفع مردم منطقه و علیه منافع قدرت‌های استعماری فرامنطقه‌ای غربی و در راس آنان، ایالات متحده آمریکا تغییر داده است. جمهوری اسلامی ایران و عربستان نیز بعد از وقوع انقلابات بیداری اسلامی سیاست‌های خارجی متفاوتی را پیش گرفته‌اند. سررشته‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درقبال کشور عربستان به زنجیره‌ی بی‌شماری از عناصر تاثیرگذار همچون تاثیر آموزه‌ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی و آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌ها

نسبت به دوستان و دشمنان، محیط ذهنی و پیرامونی پیوسته است که به دلیل تعدد و درهم تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هر یک از آنها کاری دشوار است (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

۱.۴. نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، شروع دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته‌ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو وا داشت. ذکر این نکته ضروری است که میزان تاثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قربانهای فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تاثیر آن متفاوت بوده است و هر اندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته اند، به همان نسبت استقبال از این انقلاب گسترده تر بوده است. به طور کلی آنچه که بر همگان روشن و واضح است، این است که انقلاب اسلامی ایران تاثیرهای گسترده ای را در ورای مرزهای خود داشته و با توجه به پیروان و هواخواهانی که پیدا کرد و به عنوان یک نیروی قابل محاسبه توسط دولت‌های خارجی و همچنین دولت‌های منطقه عنوان شده است؛ بدان خاطر که «انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روشها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین المللی، پدیده ای تاثیر گذار در جهان اسلام بوده است (طاهری، ۱۳۹۳). یکی از هنرهای بزرگ و اعجاب انگیز امام خمینی (ره) تلفیق و ترکیب اسلامیت نظام و جمهوریت آن است که در عین وفاداری به اسلام، نقش مردم نیز حفظ شده است. در آرای امام خمینی، دموکراسی به مفهوم دخالت مردم در سرنوشت خویش است و مواردی چون انتخاب نماینده مجلس، رئیس جمهور و امثال آن تبلورهای عالی این دخالت به شمار می رود. امام (ره) ضمن اینکه همه عناصر مطلوب، معروف و دموکراسی را شناخته، آنها را نفی نکرده است. در عین حال امام اسلام را دارای ابعادی فراتر و گسترده تر از آنچه که مردم امروزه به نام دموکراسی بدان دل بسته اند می داند و به آنچه اسلام دارد و در دموکراسی یافت نمی شود اشاره می نماید. امام با تاکید بر این ایده که «قدرت» ملازم مسئولیت و نه امتیاز ویژه می باشد، تصریح داشتند که بنیاد قدرت باید به شبکه ای ارتباطی که متشکل از عناصر گوناگونی و از آن جمله مردم، گروه ها و دولت است، قرار گیرد تا از این طریق بتوان به الگوی مسئولیت مشترک در اداره جامعه، توسعه و پیشرفت نایل آمد. همین بینش است که توزیع قدرت را امری موجه و ضروری ساخته و مشاهده می شود که ایشان برای اجرایی کردن این مهم در درون الگوی حکومت اسلامی به اصول عملیاتی چون: تفکیک قوا، جمهوریت، قانون گرایی، رعایت حقوق مردم و بالاخره نظارت بر قدرت، تاکید می کند (خواجه سروی، ۱۳۷۵). این طرز تفکر و دیدگاه امام به قدرت، باعث تحولی عظیم در روند رقابت سیاسی شد و و آنرا از دایره بسته تعدادی انگشت شمار و معدود خارج و در بین گروه های مختلف توزیع گردد.

۲.۴. انتشار مردم سالاری دینی و دموکراسی ایرانی اسلامی به خارج

اگرچه انقلاب اسلامی ایران در نقطه ای خاص از جهان به وقوع پیوست و لیکن پیام آن، که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومت عادلانه بود، به علت ماهیت فرا جغرافیایی، نقش مهمی در شکل گیری نظم سیاسی و امنیتی در سطح جهانی و منطقه ای ایفا کرد (افتخاری، ۱۳۸۴). هانتینگتون نظریه پرداز بزرگ دموکراسی در قرن بیستم معتقد است، انقلاب‌های دموکراتیک می توانند محیط های اجتماعی را برای تقویت روند دموکراتیک سازی مساعد کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۳) انقلاب اسلامی توانست میان کشورهای اسلامی چنین نقشی را ایفا کند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، موج به قدرت رسیدن اسلام گرایان (در جهان اسلام و به خصوص منطقه خاورمیانه) از طریق آرای عمومی، شوک شدیدی به همه مراکز سنتی قدرت در بسیاری از نقاط جهان وارد کرد. اسلام به عنوان یک نیروی سیاسی و اجتماعی مهم در جامعه مدنی ظهوری دوباره یافت (خواجه سروی، ۱۳۸۹). از نظر رهبران غربی، دموکراسی این احتمال را افزایش می دهد که دوستان قدیمی و قابل اعتماد یا دولت‌های وابسته، به دولت‌های مستقل تر و ملت‌های پیش بینی ناپذیر تبدیل شوند. این چشم انداز، این ترس را به همراه داشت که این ملت‌ها پس از این، دسترسی غربی به نفت را کمتر تضمین کنند. بنابراین ثبات در خاورمیانه اغلب بر حسب حفظ وضع موجود تعریف شده است (اسپوزیو، ۱۳۸۰). از این روی مهمترین عامل در عدم ظهور رژیم های دموکراتیک در منطقه، سیاست‌های استعماری قدرتهای خارجی به شمار می رود. اگر وضعیت آرمانی را کنار بگذاریم، شرایط برای ظهور دموکراسی در منطقه فراهم است، اما دخالت قدرتهای خارجی، به ویژه ایالات متحده به عنوان هژمون، باعث شد تا این شرایط بالقوه به فعالیت های بالفعل تبدیل

نشود (بخشایش، ۱۳۸۸). در واقع مهمترین پدیده ای که در پی پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست این بود که پایه مشروعیت این حکومت‌های خودکامه به لرزه درآمد و آنها را با مهمترین بحران، یعنی بحران مشروعیت روبرو ساخت. گویی فروپاشی رژیم سلطنتی در ایران زنگ خطر فروپاشی را برای آنها به صدا در آورد. از اینرو این کشورها اصلاح سیاسی و نهادی نظام‌های خود را تنها راه برون رفت از این وضعیت می‌دیدند. در منظومه فکری امام خمینی به عنوان خالق و پردازشگر گفتمان انقلاب اسلامی ایران، خودآگاهی، خویشتن‌یابی و بازگشت به خویشتن مفاهیمی محوری هستند. ایشان بر این اعتقاد بودند که لازمه بروز یک انقلاب عمیق اجتماعی - ارزشی، تربیت و پرورش نسلی از مردان و زنان خودآگاه است که نسبت به وضعیت و جایگاه تاریخی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اداری صحیح داشته باشند. ازدیگاه امام عامل بهروزی و استقلال یک کشور و مانع گسترش سلطه طلبی قدرتهای بزرگ را می‌بایست در خودآگاهی و خویشتن‌جویی دانست. زیرا هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود الا اینکه خودمان را بشناسیم. اما وابستگی فکری را موجب از خود بیگانگی و غرب زدگی می‌دانست که هر دو ریشه در جهل به استعدادها و فعلی خود و ناآگاهی نسبت به هویت فرهنگی، میراث تاریخی و پشتوانه شخصیت ریشه‌دار تاریخی خویش دارد (نظری و سازمند، ۱۳۸۹). از طرفی دیگر، مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافت. به عبارت دیگر این جنبشها دریافتند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. بر این اساس آنها از اتکا به قشر روشن فکر به سوی اتکا به مردم گرایش یافته و در نتیجه پایگاه مردمی خود را گسترش دادند.

۳.۴. جنبش بیداری اسلامی

استراتژی غرب و در رأس آن آمریکا از زمان پایان یافتن نظم دوقطبی، بر این اصل استوار شد که ارزش‌های لیبرالی را در جهان حاکم کند. اما در استراتژی کلی غرب پس از جنگ سرد، تا سال‌ها خاورمیانه به‌عنوان موردی خاص و استثنایی بر قاعده مطرح بود، و این استراتژی تا سال‌ها در بیشتر نقاط خاورمیانه عربی بنا به دلایلی خاص به‌صورت تلاشی برای ثبات و حفظ وضع موجود نمود پیدا کرد. این درحالی بود که جوامع در خاورمیانه عربی به ارزش‌های لیبرالی مدنظر غرب تمایل کمتری نشان می‌دادند. جهت‌گیری غرب نیز، چیزی نبود جز حمایت از همان دیکتاتورهای منطقه که رویکرد فرمانبرداری از غرب را اتخاذ نموده بودند. از مهمترین استراتژی‌های دیکتاتورهای عرب که در راستای کامل منافع غرب بود، می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله: ۱- مدارا و مماشات با رژیم صهیونیستی ۲- مخالفت با هرگونه اسلام‌گرایی با توجه به اسلام‌هراسی غرب ۳- فرمانبری محض از غرب در امور بین‌المللی ۴- سیاست ایران‌هراسی و مقابله با انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نظامی که مخالف سلطه غرب در منطقه است ۵- تأمین امنیت انرژی غرب ۶- انعقاد پیمان‌های نظامی، امنیتی، و دفاعی با غرب و اعطای پایگاه‌های نظامی به آمریکا در منطقه. این عوامل که به فاصله گرفتن هرچه بیشتر دولت از جامعه منجر می‌شد، خیزشی مردمی را در پی داشت که به "بیداری اسلامی" شهرت یافت. در حال حاضر کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا را از حیث سیر تحولات انقلابی، می‌توان به سه اردوگاه تقسیم نمود: گروه نخست متشکل از کشورهای اردن، مراکش و کشورهای کوچک خلیج فارس می‌باشند، که نهایت تلاش‌شان را به کار می‌گیرند تا خودشان را از نیروهای انقلابی و ضد انقلابی جدا کنند. در گروه دوم مصر و تونس قرار دارند. در این کشورها در حالی که هنوز هم رژیم‌های ضدانقلابی قدیمی مقاومت می‌کنند، انقلابیون می‌کوشند تا وعده‌ها و آرمان‌های انقلابی خود را محقق سازند. و سرانجام در گروه سوم کنسرسیومی متشکل از عربستان سعودی، یمن، الجزایر و بحرین که برای مهار تغییرات دموکراتیک همکاری می‌کنند.

۴.۴. جنبش بیداری اسلامی و مواضع دول عربی نسبت به افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه

تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ در کشورهای خاورمیانه آغاز شد، نمادی از انقلاب‌های اجتماعی است. انقلاب‌هایی که بر اساس گفتمان دینی و نشانه‌های اسلام‌گرایی شکل گرفته است. این امر آشکارا انعکاس انقلاب اسلامی ایران در خاورمیانه تلقی می‌گردد (مقی، ۱۳۹۰، ۱۶۴). شورش‌های مردمی در جهان عرب، کشورهای خاورمیانه را مجبور به ارزیابی مجدد درباره حکومت و ساختار دولت کرده است. به زعم بسیاری از تحلیل‌گرایان جنبش‌های اخیر خاورمیانه با انقلاب ۱۳۵۷ ایران در ارتباط است و این حرکت‌ها را الهام گرفته از انقلاب ایران می‌دانند (۲۰۱۱: ۱۲). در واقع بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی ظاهر شده است. بی‌تردید انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است. این جنبش‌ها تحت تأثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی ایران می‌تواند به افزایش حاکمیت هویت‌های مذهبی در کشورهای خاورمیانه و نفوذ بیشتر ایران منجر

شود (۲۰۱۱:۸، nordland and Kirkpatrick). از این رو بازتاب‌های انقلاب اسلامی امروزه بیش از گذشته، نظام منطقه‌ای خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داده است. بسیاری از تحلیل‌گران در بررسی تحولات اخیر منطقه و بروز انقلاب‌های مردمی و ضد استبدادی در کشورهای عربی متحد غرب، تقویت موضع جمهوری اسلامی ایران را در برابر رقبای منطقه‌ای خود، به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای این تحولات قلمداد می‌کنند، تحولی که متأثر از ساختار معنایی منبعث از انقلاب اسلامی و تعاملی است که این ساختار با جنبش‌های عرب ایجاد کرده است (عباسی اشقلی، ۱۳۹۱: ۲۵). نظام سلطه با محوریت آمریکا و سران غیرمردمی کشورهای منطقه، در تلاش هستند با مطرح کردن مسائل غیر واقعی ایران را متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه کنند و با برخورد دوگانه با این خیزش‌ها ضمن کنترل و ناکارآمد نمودن حرکت عمیق دینی-مردمی ملت‌های منطقه زمینه مصادره به مطلوب این خیزش‌ها را به نفع خود فراهم کنند (کریم آبادی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). در واقع رهبران سیاسی و ساختار حکومتی کشورهای عرب منطقه نظیر مصر، عربستان بحرین، امارات متحده عربی تداوم قدرت خود را مرهون سرکوب و اقتدارگرایی قرار داده‌اند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۷۱). این امر یکی از عوامل اصلی پدیده بیداری اسلامی و اعتراضات مردمی محسوب می‌شود. «فرید زکریا» در تبیین چنین شرایطی، حکام عرب را عامل اصلی چنین مخاطراتی در فضای خاورمیانه می‌داند، وی بر این اعتقاد است که: حکام عرب خاورمیانه، اقتدارگرا، فاسد و سرکوب‌گر هستند. آنان تمایلی به برگزاری انتخابات ندارند. انتخابات در این کشورها زمینه شکل‌گیری بحران سیاسی را به وجود می‌آورد. احزاب سیاسی نیز نگاه تحقیرآمیزی نسبت به حکومت‌ها دارند زیرا دو مجموعه یاد شده در تعارض با یکدیگرند (زکریا، ۱۳۸۷: ۱۷۴). در واقع با بیداری اسلامی در منطقه، تنش بین ایران و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تشدید شده است. در پی این تحولات نفوذ ایران به طور بالقوه‌ای گسترش پیدا کرده است به عنوان مثال در مصر پس از سقوط حسنی مبارک، روابط مصر با تهران در حال بهبود است و همچنین عبور دو کشتی جنگی ایران از کانل سوئز برای رسیدن به سوریه برای کشورهای عربی سواحل خلیج فارس نگران‌کننده است (lynch, ۲۰۱۱: ۴).

تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داده است به همان اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات افزوده است. به طور کلی در تحولات اخیر کشورهای کویت و اردن منافع خود را در همراهی با محور عربستان و آمریکا یافتند و ایران را آماج اتهامات بی‌اساس خود قرار دادند. بحرین و یمن نیز که در مرکز تحولات اخیر قرار دارند، از نفوذ ایران در میان شیعیان کشورشان در هراس هستند البته در این میان نباید تلاش بسیاری از دولت‌های سکولار در کشورهای مختلف خاورمیانه برای زدودن دین را از نظر دور داشت. که البته نتیجه مطلوب را به دست نداده است و حتی در مقام عکس‌العمل به شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و گروه‌های بنیادگرا در منطقه نیز انجامیده است (marty, ۱۹۹۲: ۳۸).

۵.۴. رویکرد خصمانه دولت‌های عربی به اصول و مبانی انقلاب اسلامی

اصول و مبانی انقلاب اسلامی که ذکر شد، بنا به دلایلی، برداشت‌های نادرست روسای کشورهای عربی منطقه به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس را به دنبال داشته است. عدم شناخت و بدفهمی دولت‌های عربی منطقه از اصول و مبانی انقلاب اسلامی از یک سو و ماهیت غیر دموکراتیک و محافظه‌کار این کشورها، موجب رویکرد تهاجمی و خصمانه نسبت به انقلاب اسلامی و سیاست خارجی منبعث از آن گردیده است. از جمله سیاست‌هایی که برگرفته از اصول و مبانی انقلاب اسلامی می‌باشد و سیاست خارجی در راستای اجرایی کردن آن اتخاذ شده است، می‌توان به تلاش‌ها در زمینه برقراری اتحاد اسلامی (امری که از آن تحت عنوان هلال شیعی یاد می‌شود)، استکبارستیزی، مقابله با توسعه طلبی آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان منطقه به‌ویژه مردم فلسطین و لبنان، تلاش در جهت بازسازی عراق و برگرداندن ثبات به منطقه، و همین‌طور تلاش در جهت برطرف کردن دغدغه‌های امنیتی کشور اشاره کرد. در واقع ایران به دلیل بی‌ثباتی منطقه، حضور گسترده آمریکا در سرتاسر مرزهای خود، نبود وحدت میان مسلمانان، و همین‌طور خطر اسرائیل، تلاش دارد حوزه امنیتی خود را بسط دهد و اصول و مبانی بر حق انقلاب اسلامی را در منطقه دنبال کند، امری که به اشتباه از سوی دولت‌های عرب منطقه توسعه‌طلبانه و تهاجمی انگاشته می‌شود. از جمله سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که باعث حساس شدن و نگرانی کشورهای عربی منطقه و به خصوص هم‌پیمان استراتژیک آنان، ایالات متحده آمریکا شده است، می‌توان به جهت‌گیری نسبت به پدیده بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی منطقه، استکبارستیزی، مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین، و همچنین گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق اشاره کرد. برداشت کشورهای عربی منطقه این است که افزایش نقش و قدرت نسبی ایران در خاورمیانه تهاجمی و توسعه طلبانه است. (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۱۵). این کشورها برای جلوگیری از اقدامات جمهوری اسلامی ایران سعی دارند با حمایت از رویکرد تهاجمی آمریکا و اسرائیل دغدغه‌های امنیتی خود نسبت به ایران را برطرف کنند. تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران جهت شفاف‌سازی و تدافعی نشان دادن سیاست‌های خود، به دو علت نتوانسته است نگرانی‌های امنیتی این کشورها را برطرف سازد. یکی به علت بدفهمی و برداشت تهاجمی از اصول و مبانی انقلاب اسلامی و دیگری به ماهیت محافظه‌کار و ضد دموکراتیک رژیم‌های کشورهای منطقه، مربوط می‌شود که از سال‌های

میان دهه ۱۹۸۰ تاکنون در شرایط اقتدارگرایی سیاسی قرار داشته‌اند (Knickmeyer, ۲۰۱۰: ۶). در مجموع این عوامل موجب شده است که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه تلاش در جهت «بازدارندگی» و «مهاری» نقش و نفوذ ایران داشته باشند. موضوعی که به خوبی مویده علل حساسیت این کشورها، نسبت به رفتار ایران در تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا (بیداری اسلامی) می‌باشد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱).

۵. نتیجه گیری

نقطه کانونی ساخت یک تمدن، شکل گیری هویت تمدنی است که ثمره آن ایجاد همبستگی اجتماعی است که سبب می شود همه گروه ها و نهادهای موجود در جهت خیر عامه و مصلحت همگانی گام بردارند و اقدامی خلاف آنرا مرتکب نشوند. چون در ایران معاصر تا پیش از انقلاب اسلامی هیچگاه شکل گیری همبستگی و تلاش برای خیر عامه به سامان نرسد، جریان تمدن سازی مشاهده نمی شود. به نوعی فرآیند تمدن سازی در ایران معاصر با وقوع انقلاب اسلامی آغاز شد. زیرا حضرت امام با احیای عنصر هویت بخش دین توانست جامعه ایران را از هویت تمدنی برخوردار سازد و در نتیجه به سطح مطلوبی برساند که خود را در وقوع انقلاب اسلامی و مقاومت در دفاع مقدس جلوه گر نماید. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدلی برای تمدن سازی است که با انقلاب اسلامی آغاز شد. این الگوی بومی برای پیشرفت محدود به ایران نیست و می تواند در دیگر کشورهای اسلامی نیز بهره گیری شود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱).

اتفاقاتی که در منطقه خاورمیانه در حال رخداد است برای جمهوری اسلامی ایران علیرغم دردسر و چالش های فراوان فرصت آفرین است. لذا مدیریت چالش های امنیتی و مخاطرات سیاسی در خاورمیانه و خلیج فارس نیازمند آن است که زمینه های لازم برای شکل گیری موازنه قدرت فراهم گردد. سیاست خارجی ایران بر پایه اصول و ارزش های انقلاب اسلامی بنا شده است. این اصول و مبانی، بعد از انقلاب اسلامی در تمامی دولت ها، راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی قرار گرفته است. برداشت تهاجمی اعراب منطقه از سیاست خارجی ایران در واقع ناشی از عدم شناخت درست از اصول و مبانی انقلاب اسلامی است. پس از تحولات جهان عرب زمینه جدیدی با توجه به تحولات ژئوپلیتیک در شکل و ساخت قدرت در حال شکل گیری می باشد. در یک سو عربستان، اسرائیل و آمریکا هستند که به نوعی خواهان حفظ توازن سنتی با تسلط کامل بر جریان های سیاسی- امنیتی در منطقه هستند و در سوی دیگر ایران قرار دارد که الزاما خواهان به هم زدن وضع موجود نیست؛ اما با افزایش پایه های قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه ای، خواهان ایفای نقش بیشتری با رویکرد منطقه ای و از زاویه حفظ منافع ملی خود می باشد. ایران با تقویت حس انقلابی نشات گرفته از انقلاب اسلامی ایران و حمایت از نقش بیشتر شیعیان در تحولات منطقه، بر ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان بحرین به وضعیت مطلوب تر و شرکت دادن شیعیان در اداره امور کشور بحرین تاکید دارد. لذا موج جدید بیداری اسلامی که منبعث از آرمان های انقلاب اسلامی می باشد فرصتی مغتنم برای جمهوری اسلامی ایران است و از پتانسیل های موجود در این خیزش اسلامی استفاده لازم خواهد شد.

۶. مراجع

- اخباری، محمد و قهرمانی، مهرداد، (۱۳۹۰)، جایگاه ژئوپلیتیک خلیج فارس در فرآیند جهانی شدن (با تکیه بر نقش امریکا)، فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی ۳(۴): ۴۹-۶۵.
- آدمی، علی و سید محمدرضا موسوی و حسینعلی توتی، (۱۳۹۱)، تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیک ایران و عربستان سعودی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی واحد شهررضا، ۱۰(۳): ۱۶۹-۱۴۱.
- آدمی، علی و سید مهدی حبیبی، رامین بخشی تلیابی، (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، پروژه ایران هراسی دولت های عربی منطقه، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱(۲): ۱۶۰-۱۴۱.
- اکبری کریم آبادی، نورالدین (۱۳۹۰)، ایران و تحولات جدید منطقه؛ فرصت ها و چالش های پیش رو، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۵۰.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴)، تاثیر انقلاب اسلامی ایران در گستره جهانی، تهران، نامه پژوهش شماره ۱۰ و ۱۱.

- بخشایش، محمد رضا، (۱۳۸۸)، ناقص های غرب در انتخابات آزاد خاورمیانه، تهران، روزنامه ایران.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، تهران، فصلنامه روابط خارجی، (۱۱).
- جیمز رونا، (۱۳۷۸)، پیچیدگی، تناقض های جهانی شدن، ترجمه احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، ۴: ۲۳.
- جیمز روزنا، (۱۳۸۲)، جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۲۴-۲۳.
- حافظ نیا، محمد، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، خدمات متقابل دین و دموکراسی در ایران، تهران، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی. شماره ۲۰.
- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، موج اسلامی دموکراسی، تأثی انقلاب اسلامی در روند دموکراتیزاسیون کشورهای اسلامی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳.
- زکریا، فرید (۱۳۸۷)، آینده آزادی، تهران: نشر نی.
- طاهری، مهدی، (۱۳۹۳)، انقلاب بیدار ساز، پرتال جامعه علوم انسانی .
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، بازتاب معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام گرایی در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، ۲۱(۶۲).
- قوام، ع، (۱۳۸۴)، روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، تهران، سمت.
- لطیفیان، سعید، (۱۳۸۷)، ایران و خاورمیانه، فصلنامه سیاست، ۳۸(۳).
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی و گسترش روح دموکراتیک در خاورمیانه، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴.
- مجتهد زاده، پ، (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی تهران، انتشارات سمت.
- مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۰)، پیامدهای بی ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۸(۳): ۵۹-۳۵.
- نامدار، مظفر، (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی، انقلاب دانش شریعت اندیش.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شما، تهران. نشر روزنه.
- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۱)، نقش انقلاب اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ایجاد تمدن اسلامی – ایرانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی .
- Kagan, Fredrick (۲۰۱۰): deterrence misapplied, challenges in containinkng a nuclear iran, council on foreign relations, jun ۲۰.
- Knickmeyer, ellen(۲۰۱۰). Our man in sanaa, foreign policy.
- Robert, david(۲۰۱۰), "blame iran: a dangerous response to the Bahraini uprisisng", the guardian (august ۲۰).
- Lynch, marc (۲۰۱۱), the what cooperation council? In for eign policy marc lynch blog, ۱۱ march see in [http:// lynch.foreignpolicy .com](http://lynch.foreignpolicy.com).
- Colman,steve(۲۰۱۰), U.S.Mideast Arms Deal Aims to Stop Attack on Iran, Financial Times, September ۲۰.
- Kurdesman, Antony (۲۰۰۳), Military balance in Persian Gulf and Middle East, Defense Studies the Navy, Tehran, [in Persian].

- Nye, Josep (۲۰۰۹), soft power, translated by : seyed MohsenRoohani and Mehdi zolfaghari, Imam sadegh University press, Tehran, [in Persian].